

فصل چهارم

جمع بندی، نتیجه گیری

و پیشنهاد

۴-۱- تغییرات مفهوم توسعه در بستر زمان

تامل و اندیشه‌ی نظام‌مند در باب توسعه و تلاش برای رسیدن به آن از سال ۱۹۵۰ در جهان آغاز شده است. بستر زمانی توسعه از سال ۱۹۵۰ تا اکنون به سه دوره قابل تقسیم است. برای رعایت اختصار مشخصات این سه دوره در جدول ۴-۱ گردآوری شده است.

جدول ۴-۱: ویژگی‌های ادوار مختلف تفکر و برنامه‌های توسعه

دوره	بستر زمانی دوره	حجم دولت	وظایف دولت	نقش آفرینان اصلی توسعه	وجوه توسعه	نوع مدیریت	شاخصهای توسعه
اول	۱۹۷۵-۱۹۵۰	خیلی بزرگ	برنامه‌ریزی جامع جهت توسعه ملی (برنامه‌های میان مدت و بلند مدت)	- شرکتهای دولتی	اقتصادی	مدیریت دولتی	- میزان رشد تولید ناخالص داخلی
دوم	۱۹۷۵-۱۹۶۵	خیلی کوچک	تعیین اهداف و سیاست‌گذاری	- شرکتهای خصوصی	- اقتصادی - اجتماعی	مدیریت جدید دولتی	- میزان رشد تولید ناخالص داخلی - شاخص‌های توزیع برابری ثروت و درآمد
سوم	از ۱۹۹۵ تا حال	اقتضای بی‌چک تا بزرگ	پیگیری اهداف توسعه از طریق بودجه‌ریزیهای شفاف و کارآمد	- شرکتهای خصوصی - سازمان‌های غیردولتی - نهادهای مدنی	- اقتصادی - اجتماعی - سیاسی - فرهنگی - زیست محیطی	حکمرانی خوب	- میزان رشد تولید ناخالص داخلی سرانه - امید به زندگی در بدو تولد - دسترسی و بهره‌مندی از آموزش

با توجه به تدوین و اجرای برنامه‌های توسعه‌ای منطبق با نوع تفکر ادوار اول و دوم، و عدم رضایت از نتایج این برنامه‌ها و بروز مشکلاتی مانند توزیع نابرابر ثروت و درآمد (حاصل از اجرای برنامه‌های دور اول)، بهره‌برداری بی‌رویه از منابع طبیعی و بروز مشکلات زیست محیطی و همچنین توسعه نامتوازن (حاصل از اجرای برنامه‌های دور دوم)، تفکر دوره سوم که همان تفکر توسعه‌ی پایدار می‌باشد پدیدار گشت. در تفکر دور سوم موضوع استفاده‌ی معقول و منطقی و عادلانه از منابع طبیعی، عدم آسیب به محیط زیست و حفظ منافع نسل‌های آینده هم سنگ ارتقای سطح زندگی نسل حاضر اهمیت یافت. به عبارت دیگر در توسعه‌ی پایدار (دور سوم) می‌بایست سه جنبه‌ی اساسی زیر سرلوحی تدوین خط مشی و برنامه‌ها قرار گیرد:

- توسعه‌ی پایدار باید رشد اجتماعی لازم برای برطرف کردن همه‌ی افراد را فراهم سازد.
- حفاظت موثری از محیط زیست به عمل آورده و در مصرف منابع طبیعی با دقت عمل نماید.
- رشد پایدار اقتصادی و رونق اقتصادی را به همراه داشته باشد.

۴-۲- الزامات دسترسی به توسعه‌ی پایدار

برای تحقق توسعه‌ی پایدار لازم است تا تغییراتی در شیوه‌ی زندگی انسان‌ها پدید آید. انسان‌های امروز جملگی دچار مصرف زدگی بوده و با مصرف زیاد به صور گوناگون به محیط زیست آسیب می‌رسانند. جهان سرمایه‌داری خواستار مصرف زیاد و مشوق مصرف است و با تبلیغات مختلف نیازهایی کاذب را ایجاد و به شوق به مصرف را افزایش می‌دهد. بنابراین ایجاد تغییرات اساسی و زیربنایی در شیوه‌ی زندگی اولین الزام دسترسی به توسعه‌ی پایدار محسوب می‌شود. برای ایجاد تغییر اساسی و زیربنایی در شیوه‌ی زندگی جامعه، مشارکت فعال و آگاهانه‌ی تک تک افراد جامعه مورد نیاز است. برای مشارکت فرد در یک موضوع اولین مرحله وجود انگیزه است. انگیزه‌ی لازم برای تغییر رفتار در صورتی ایجاد خواهد شد که با آگاهی لازم برای تغییر رفتارهای موجود کسب شده و شخص متقاعد و مجاب

گردد که تغيير رفتار کتوني لازم است. براي محقق شدن اين امر شخص بايستي تفاوت خواسته و نياز را بداند و در پي رفع نيازهاي واقعي باشد نه در پي خواسته‌هاي خود. يکي از راه‌هاي آگاهي بخشي به افراد تهيه و انتشار آمارهاي مختلف مانند آمار مصرف، آمار ميزان پسماند توليدي، و اقلام آماري مختلف بيانگر تخريب و آسيب به محيط زيست و نظاير آن است.

يکي ديگر از الزامات تحقق توسعه‌ي پايدار وفاق همگاني در خصوص لزوم توسعه متوازن همهي استانها و مناطق مختلف کشور است. نابرابري و توسعه‌ي غير متوازن در تضاد با توسعه‌ي پايدار قرار دارد. جهان به تجربه دريافته است که نابرابري و توسعه‌ي نامتوازن حتي بين کشورهاي جهان در دراز مدت به زيان همهي کشورهاست. از همين روي از سال ۱۹۹۰ موضوع‌هاي اجتماعي و اقتصادي در دستور کارهاي جهاني اهميت يافته و مجموعه‌اي از اجلاس‌هاي سران و کنفرانس‌هايي با شرکت مقامات عالي‌رتبه برگزار شده و تعداد زيادي از سران کشورها خواستار کاهش عدم توازن‌هاي موجود شدند. مهمترين اين همایش‌ها در سال ۱۹۹۵ در کپنهاگ برگزار شده است. در اين جلسه ۱۱۷ رييس دولت يک برنامه‌ي عمل مشتمل بر ۱۰ بند کلي که تعهداتي براي دولتها بود را به تصويب رساندند. با توجه به اهميت اين ده بند ذيلا بخش تعهدات بيانيه‌ي اجلاس کپنهاک در معرض مطالعه قرار گرفته است.

بخش تعهدات اجلاس جهاني کپنهاک

۱. ما خود را به ايجاد يک محيط اقتصادي، سياسي، اجتماعي و فرهنگي که مردم را قادر به تحقق توسعه‌ي اجتماعي سازد متعهد مي‌کنيم.
۲. ما خود را به از ميان برداشتن فقر در سراسر جهان از راه اقدام‌هاي قاطع ملي و همکاري‌هاي بين‌المللي به عنوان وظيفه‌ي اخلاقي، اجتماعي، سياسي و اقتصادي کل بشريت متعهد مي‌کنيم.
۳. ما خود را به پيش‌برد هدف اشتغال کامل به عنوان اولويت اساسي سياست‌هاي اقتصادي اجتماعي به منظور تامين زندگي ايمن و پايدار از راه اشتغال مولد آزادانه انتخاب شده متعهد مي‌کنيم.

۴. ما خود را به ارتقای وحدت اجتماعی با حمایت از جامعه‌های پایدار، ایمن و عادل متعهد می‌کنیم. جامعه‌هایی که بر اساس حمایت از حقوق بشر، عدم تبعیض، احترام به تنوع و گوناگونی، برابری فرصت‌ها، همبستگی، ایمنی و مشارکت عمومی مردم اعم از تمامی توده‌های مردم به ویژه افراد نابرخوردار و آسیب‌پذیر اداره می‌شوند.
۵. ما خود را متعهد به احترام کامل به کرامت انسان و تلاش در راستای برابری میان زن و مرد و به رسمیت شناختن مشارکت و کسب نقش‌های محوری توسط زنان در زندگی مدنی و توسعه می‌دانیم.
۶. ما خود را ملزم به تشویق و تحقیق دسترسی برابر به آموزش با کیفیت، سلامت فیزیکی و فکری و دسترسی به مراقبت‌های بهداشتی اولیه، کوشش ویژه به منظور رفع نابرابری‌های ناشی از شرایط اجتماعی، بدون توجه به نژاد، ملیت، جنسیت، سن و معلولیت، احترام به فرهنگ‌های مشترک و فرهنگ‌های خاص و تقویت نقش فرهنگ در توسعه و حفظ مبانی اساسی توسعه‌ی مردم محور و پایدار می‌دانیم و هدف نهایی ما از این اقدامات ریشه‌کنی فقر و تشویق اشتغال کامل و مولد و حمایت از یکپارچگی اجتماعی است.
۷. ما خود را متعهد به شتاب دادن به توسعه‌ی اقتصادی، اجتماعی و منابع انسانی آفریقا و به ویژه کشورهای بسیار فقیر آفریقا می‌دانیم.
۸. ما خود را ملزم به این می‌دانیم که برنامه‌های تعدیل ساختاری مورد توافق در برگیرنده‌ی توسعه‌ی اجتماعی باشند.
۹. ما خود را به افزودن منابع تخصیصی به توسعه‌ی اجتماعی و استفاده‌ی موثرتر از آنها در جهت تحقق اهداف سران از طریق اقدام‌های ملی و همکاری‌های منطقه‌ای و بین‌المللی متعهد می‌دانیم.
۱۰. ما متعهد به تقویت و ارتقای چارچوب همکاری‌های بین‌المللی، منطقه‌ای و زیر منطقه‌ای و ناحیه‌ای به منظور نیل به توسعه‌ی اجتماعی با حفظ روحیه‌ی شراکت و همکاری از طریق سازمان ملل و سایر نهادهای چندجانبه می‌شویم.

عدم توازن در توسعه حداقل از سه جهت پایداری توسعه را مخدوش می‌نماید. اول این که توسعه‌ی نامتوازن موجب مهاجرت جمعیت از سمت مناطق کمتر توسعه‌یافته به سوی مناطق توسعه یافته می‌شود. افزایش جمعیت (ناشی از مهاجرت) مناطق توسعه یافته مجدداً تعادل امکانات و جمعیت را بر هم زده و برای برقراری تعادل، توسعه‌ی بیشتر لازم می‌شود و دور و تسلسل باطل بوجود آمده از این وضعیت، عدم توازن در توسعه را تشدید می‌نماید. دوم این که سرمایه‌گذاری و توسعه‌ی بیش از حد در مناطقی خاص باعث می‌گردد تا استفاده و برداشت از منابع طبیعی در این مناطق به میزان خیلی بیش از حد مجاز و توان طبیعت رسیده و این موضوع نیز با مهمترین اصل در توسعه‌ی پایدار یعنی لزوم حفظ سهم آیندگان از منابع طبیعی، متناقض است. سوم این که فعالیت‌های اقتصادی و زندگی روزمره انبوه جمعیت متمرکز در مناطق توسعه یافته، آلودگی هوا و سایر صدمات جبران‌ناپذیر به محیط زیست را به دنبال داشته و این موضوع نیز در تقابل با توسعه‌ی پایدار قرار می‌گیرد.

بررسی وضعیت موجود کشور از نظر توسعه‌یافتگی عدم توازن غیر قابل قبولی در توسعه را نشان می‌دهد به نحوی که تولید ناخالص داخلی سرانه قوی‌ترین استان از نظر اقتصادی، بیش از ۶ برابر ضعیف‌ترین استان کشور است. این عدم توازن در درون هر استان نیز وجود دارد. عدم توازن توسعه‌ای در کشور جریان‌های مهاجرتی خاصی (از سوی مناطق کمتر توسعه‌یافته به سوی مناطق توسعه‌یافته) را در کشور بوجود آورده است. به عنوان مثال در بازه‌ی زمانی ۹۵-۱۳۹۰ تعداد ۶۸۱۳۵ نفر از جمعیت تقریبی ۹۵۰۰۰۰ نفری استان چهارمحال و بختیاری مهاجرت نموده که از این تعداد ۲۹۲۹۱ نفر مهاجرت درون استانی داشته و ۳۸۸۴۴ نفر استان را به مقصد سایر استانها (عمدتاً استان اصفهان) ترک نموده‌اند. این حجم از مهاجرت و جابجایی جمعیت که معلول عدم توازن توسعه‌ای بین مناطق می‌باشد از یک نگاه دقیق یکی از علل عدم توازن‌های توسعه‌ای آتی خواهد بود.

با توجه به توضیحات فوق دومین الزام مهم در رسیدن به توسعه پایدار داشتن "تفکری در سطح کلان (جهانی)" است. البته در عمل، تفکر کلان به تفکر در سطح ملی تنزل خواهد یافت ولی تفکر پایین تر از تفکر در سطح ملی پاسخگوی توسعه پایدار نخواهد بود.

نگاه‌ها و تفکرهای بخشی که تا کنون در کشور ما رایج بوده (مانند تمرکز نمایندگان مجلس برخی استانها بر توسعه استان خود به قیمت عقب‌ماندگی سایر مناطق کشور، تصمیم‌های سلیقه‌ای برخی از صاحب‌منصبان در ادوار مختلف به سود برخی از مناطق و زیان برخی مناطق دیگر و ...) شاید در کوتاه مدت موجب توسعه مقطعی مناطق مورد نظر شده باشد ولی گذشت زمان معایب این تفکر را آشکار نموده و معلوم گردیده که توازن نا متوازن در دراز مدت به زیان همه مناطق تمام شده است. بنابراین دومین الزام اساسی در خصوص توسعه پایدار کلان‌نگری است و به عبارت واضح‌تر، توسعه پایدار استان چهارمحال و بختیاری بایستی همزمان و همگام با توسعه کل کشور به سرانجام رسد و در غیر این صورت شاید شاهد توسعه مقطعی در برخی زمینه‌ها باشیم ولی توسعه همه‌جانبه و پایدار نصیب استان نخواهد شد.

سومین الزام در رسیدن به توسعه پایدار داشتن برنامه است. ضرورت برنامه از این جهت است که تحقق وضعیت آینده مطلوب در گرو اتخاذ مجموعه‌ای از تصمیم‌های به هم پیوسته است. در برنامه مواجهه با آینده مواجهه‌ای فعال است. به عبارت دیگر برنامه همواره به دنبال دستیابی به آرمان‌ها و اهداف ضمن رعایت راهبردها و سیاست‌هاست. در کشور ایران برنامه‌ریزی سابقه‌ای دیرینه دارد و اولین برنامه در سال ۱۳۲۷ تدوین و نگارش شده است. به طور کلی تا زمان حال مجموعاً ۱۲ برنامه برای کشور تهیه شده است. ۶ برنامه در سالهای قبل از پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی و ۶ برنامه نیز پس از انقلاب تدوین و آماده شده است. برنامه‌های قبل از انقلاب با عنوان برنامه‌های عمرانی و برنامه‌های پس از انقلاب با عنوان برنامه‌های توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی شناخته می‌شوند.

قبلا گفته شد که برنامه در واقع مجموعه‌ای از تصميم‌های به هم پيوسته است. اما فرآيند تصميم‌گيري را می‌توان یک فرآيند چند مرحله‌ای شامل مراحل ۱- تشخيص مشکلات، ۲- ارائه راه حل‌های مختلف، ۳- تحليل هر راه حل، ۴- اتخاذ تصميم ۵- اجرای تصميم ۶- مشاهده نتايج حاصل از تصميم دانست. اما بايد اذعان داشت که داشتن آمار و اطلاعات جزء لاینفک هریک از مراحل شش‌گانه در تصميم‌گيري است. در نتیجه داشتن آمار و اطلاعات مهمترين ضرورت در تدوين برنامه است و اگر بگوئيم تنها خوراک لازم برای تدوين برنامه، آمار و اطلاعات است سخن گزافی نگفته‌ايم. در سبقي تاريخی برنامه‌های کشور ايران نیز برنامه‌های اول و دوم عمرانی به دليل عدم وجود آمار بدون اتکاء به آمار تهيه شدند ولی با توجه به ضرورت آمار در تدوين برنامه، در خلال سال‌های اجرای برنامه عمرانی دوم، اندک اندک بسترهای لازم برای تهيه و انتشار اقلام آماری مهم (مانند آمارهای جمعيتی) فراهم گردید و در تدوين برنامه سوم عمرانی از آمار و اطلاعات توليدي استفاده‌ی لازم به عمل آمد.

با توجه به توضیحات داده شده می‌توان چهارمین الزام در جهت حصول به توسعه‌ی پايدار، داشتن آمار و اطلاعات صحيح و بهنگام است.

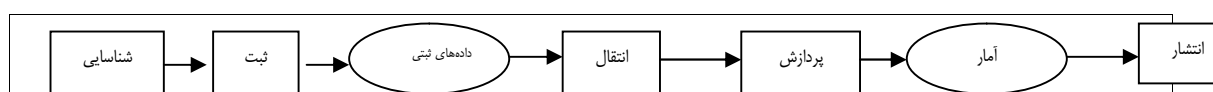
۴-۳- آمارهای ثبتي ، تحولات جمعيتي و توسعه‌ی پايدار

تهيه‌ی برنامه‌ها به منظور به نیل به توسعه‌ی پايدار یک فرآيند آماربر است. اقلام آماری مورد نیاز برنامه‌ريزی می‌بايست توسط نظام آماری کشور تهيه و منتشر شوند و به همین دليل ظرفيت نظام آماری در پاسخگویی به نیازهای آماری حائز اهمیت والایی است.

در حال حاضر در بیشتر کشورهای جهان تشکيلاتی رسمی و قانونی جهت تهيه و انتشار آمارهای مورد نیاز دارای فعاليت می‌باشد. عنوان این تشکيلات رسمی در کشورهای مختلف متفاوت است. انسيتو ملی آمار، مرکز ملی آمار، مرکز آمار و عناوينی مشابه ديگر برای نامگذاری متولیان تهيه و انتشار آمار مور استفاده قرار می‌گیرد. در کشور ما مسئوليت تهيه و انتشار آمار برعهده‌ی مرکز آمار ايران (که مرکزی

وابسته به سازمان برنامه و بودجه‌ی کشور است) می‌باشد و بر اساس قانون مرکز مذکور مکلف به تهیه‌ی آمارهای مورد نیاز است.

برای تهیه و تولید آمار معمولاً ۳ روش عمده‌ی الف) سرشماری، ب) اجرای طرح‌های نمونه‌ای و ج) پردازش داده‌های ثبتی مورد استفاده قرار می‌گیرد که هر یک از این سه ۳ روش مزایا و محاسن مختص به خود را داراست. فرآیند تولید آمارهای ثبتی به طور خلاصه به صورت زیر قابل نمایش است.



با توجه به ویژگی‌های ۱- سهولت دسترسی، ۲- ارزان بودن، ۳- مستمر بودن تولید آمار ۴- قابلیت ارائه آمار و اطلاعات در کوتاه‌ترین زمان ممکن و ۵- دقت و صحت بسیار بالا، آمارهای ثبتی از مقبول‌ترین اقلام آماری می‌باشند.

از بین مجموعه آمار و اطلاعات مورد نیاز برای برنامه‌ریزی اطلاعات مرتبط با میزان جمعیت، ترکیب جمعیت از منظرهای مختلف و تحولات جمعیتی مهم‌ترین ارقام آماری مورد نیاز برای برنامه‌ریزی محسوب می‌شوند. بر اساس همین اهمیت است که اداره سجل احوال (ثبت احوال کنونی) که از اولین ارکان نظام آماری کشور به سبک جدید بود، در کابینه‌ی دوم وثوق الدوله و در سال ۱۲۹۷ هجری شمسی برای ثبت وقایع چهارگانه ولادت، فوت، ازدواج و طلاق به طور رسمی زیر نظارت وزارت داخله (وزارت کشور فعلی) تأسیس شد. هرچند که در کش و قوس تاریخی اتفاقات متعددی رخ داد و در سال ۱۳۳۴ "اداره‌ی آمار و سرشماری" از اداره کل آمار و ثبت احوال منتزع و به «اداره آمار عمومی» تغییر نام یافت. به دنبال این تحول، قانون آمار و سرشماری با سازمانی جدید در ۱۳۳۴ از تصویب مجلس گذشت و در ماده یک این قانون، به صراحت هدف از تأسیس اداره آمار عمومی (وابسته به وزارت کشور)، جمع آوری و تمرکز آمارهای متنوع اجتماعی، اقتصادی، کشاورزی، فرهنگی، بهداشتی و اجرای آمارگیری‌های

نفوس و کشاورزی عنوان گردید. مهم‌ترین اقدام اداره‌ی آمار عمومی پس از تاسیس، اجرای سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۳۵ هجری خورشیدی بود که با روش بلوک‌گردشی، مصاحبه با پاسخگویان و ثبت داده‌ها در پرسشنامه‌ها به انجام رسید. این روش پس از گذشت ۶۰ سال با مختصر تغییر (تبدیل پرسشنامه‌ی کاغذی به پرسشنامه‌ی الکترونیکی) در سرشماری عمومی ۱۳۹۵ نیز مورد استفاده واقع گردید!

روش آماری به کار گرفته در سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۳۵ بهترین روش اجرایی در آن سال محسوب می‌شد. فرهنگ مردم به نحوی بود که بهترین همکاری با مامورین سرشماری صورت می‌پذیرفت. ساختمانها عمدتاً ساختمان‌هایی یک طبقه و یا اکثر دو یا سه طبقه بود و به همین دلیل امکان دسترسی به خانوار در مکان به سهولت امکان پذیر بود. ولی قدر یقین معماری و ساخت و ساز شهرها پس از گذشت ۶۰ سال دچار تغییرات زیادی شده است. با ساخت برجهای ساختمانی کوچه‌های افقی ۶۰ سال قبل در عمل به کوچه‌های عمودی مبدل شده است. این تغییر معماری موجب گردیده تا روش اجرایی سال ۱۳۳۵ در سال ۱۳۹۵ ناکارآمد جلوه کرده و دسترسی به خانوار در مکان سهولت لازم را دارا نباشد. تغییر سطح سواد و فرهنگ مردم موجب بالا رفتن عدم همکاری، بی‌پاسخی، پاسخگویی ناقص و در موارد بسیاری ارائه پاسخهای غلط عمده شده است. همه‌ی این موارد موجب شده تا کیفیت اقلام آماری در سرشماری‌ها به ویژه در شهرهای بزرگ رو به کاهش باشد.

در حال حاضر بر اساس قانون مرکز آمار ایران مکلف به انجام سرشماری‌های عمومی نفوس و مسکن است. از سویی دیگر انجام مقدمات و مطالعات اجرای هر سرشماری معمولاً ۲ یا ۳ سال قبل از سال اجرا آغاز و پردازش داده‌ها و انتشار تدریجی نتایج نیز تا ۲ سال پس از هر سرشماری به طول می‌انجامد. به عبارت دیگر انجام یک سرشماری از آغاز تا پایان، تقریباً یک بازه‌ی زمانی ۵ ساله را به خود اختصاص می‌دهد و با توجه به این که در آخرین تصمیم دولت محترم جمهوری اسلامی ایران فواصل زمانی اجرای سرشماری از ده سال به پنج سال کاهش یافته است، مرکز آمار ایران (به ویژه دفتر

آمارهای جمعیت، نیروی کار و سرشماری) به صورت تمام وقت درگیر کار سرشماری عمومی نفوس و مسکن می‌باشد و تقریباً تمام انرژی این دفتر مصروف اجرای سرشماری عمومی نفوس و مسکن می‌گردد.

با مقدمه‌ی مبسوطی که تا اینجا گفته شد اکنون سوالهایی در ذهن مطرح می‌گردد که مدون ساختن آنها و سعی در یافتن پاسخ، خالی از فایده نخواهد بود.

(۱) آیا اجرای سرشماری عمومی نفوس و مسکن اجتناب ناپذیر است؟

پاسخ: اولاً داشتن اقلام آماری حاصل از اجرای سرشماری از ضروریات و پیش‌نیازهای برنامه ریزی صحیح و توسعه کشور محسوب می‌گردد و تا زمانی که روشی جایگزین برای تولید اقلام آماری مذکور نداشته باشیم، برای تولید این اقلام ناگزیر از اجرای سرشماری خواهیم بود.

ثانیاً از آنجایی که بر اساس قانون، مرکز آمار ایران مکلف به اجرای سرشماری عمومی نفوس و مسکن است، اجرای سرشماری به حکم قانون ضروری است و توقف اجرای آن امری غیر قانونی محسوب می‌گردد.

(۲) آیا اجرای سرشماری عمومی نفوس و مسکن در عصر کنونی مشابه با اجرای سرشماری در دهه‌های قبل (بلوک گردشی، دق‌الباب، احضار عضو یا اعضای خانوار به درب محل سکونت و مصاحبه چهره به چهره با پاسخگویان) منتج به تولید اقلام آماری صحیح و کارآمد می‌شود؟

پاسخ: همان‌طور که قبلاً گفته شد روش جمع‌آوری داده‌های آماری در کلیه سرشماریهای نفوس و مسکن کشور (از سال ۱۳۳۵ تا سال ۱۳۹۵) روش بلوک/ده‌گردشی - مراجعه به محل سکونت خانوار - مصاحبه‌ی چهره به چهره با پاسخگو و ثبت داده‌ها توسط مامور سرشماری بوده است.

با توجه به تغییر بافت مسکونی نقاط شهری کشور از خانه‌های ویلایی یک واحدی به ساختمانهای چند طبقه و در سالهای اخیر به مجتمع‌های آپارتمانی و برجهای مسکونی (تبدیل کوچه‌های افقی به عمودی) این روش روز به روز کارایی خود را از دست داده و پوشش و شمارش واحدهای

مسکونی کشور(به ویژه واحدهای مسکونی خالی از سکنه) با محدودیت و در برخی مواقع با عدم موفقیت مواجه می‌گردد. این موضوع یکی از اهداف مهم سرشماری عمومی نفوس و مسکن یعنی ثبت صحیح و دقیق مشخصات کلیه واحدهای مسکونی کشور را با شک و تردید همراه می‌سازد. همین موضوع در کنار تغییر تفکر و رفتار شهروندان، پر مشغله بودن اعضای بسیاری از خانوارها و عدم حضور در محل سکونت در ساعات معمول کار مامورین سرشماری در عصر کنونی پوشش کامل (ویا دست‌کم، پوشش حداکثری) خانوارها و در نتیجه شمارش کامل نفوس را غیر ممکن کرده است. بر اساس شنیده‌های غیر رسمی در سرشماری سال ۱۳۹۰ در شهر تهران، مصاحبه با بیش از ۳۰ درصد خانوارها به دلیل عدم حضور خانوار در محل سکونت و یا عدم همکاری خانوار با مامورین سرشماری فراهم نشد و این امر با تاخیر زمانی ۵ ساله در سایر شهرستانهای کشور در سرشماری ۱۳۹۵ رخ داد. از این روی به نظر می‌رسد روش سرشماری‌های ۳۵ و ۴۵ در سال ۹۵ به اندازه کافی کارایی نداشته و توفیق در پوشش کامل را به یک رویا بدل نمود.

البته ذکر این نکته در اینجا ضروری است که در ماده‌ی ۷ قانون (مصوب ۱۳۵۳) مرکز آمار ایران

آمده است:

ماده ۷) هر شخص ساکن ایران همچنین اتباع ایرانی مقیم خارج از کشور مکلفند به پرسشهای مربوط به کلیه سرشماریها و آمارگیریها که توسط مرکز آمار ایران انجام می شود پاسخ صحیح دهند. آمار و اطلاعاتی که ضمن آمارگیریهای مختلف از افراد و مؤسسات جمع آوری می شود محرمانه خواهد بود و جز در تهیه آمارهای کلی و عمومی نباید مورد استفاده قرارگیرد. استفاده و مطالبه و استناد به اطلاعات جمع آوری شده از افراد و مؤسسات به هیچوجه در مراجع قضائی و اداری و مالیاتی و نظایر آن مجاز نخواهد بود.

اما به نظر می‌رسد به دلیل نظر نگرفتن مجازاتی برای تخلف از این قانون، قانون مذکور ضمانت

اجرایی ندارد و هیچ ضرر و زیان ناشی تخلف از این قانون، متوجه فرد یا افراد متخلف نیست و به همین

دلیل با گذشت زمان بر خیل افرادی که با مامورین سرشماری همکاری نمی‌نمایند افزوده می‌شود. (عدم همکاری در تکمیل پرسشنامه‌های مرکز آمار ایران علاوه بر سرشماری سایر طرحها نیز مشاهده می‌شود.)

لذا بر اساس توضیحات داده شده چنین استنباط می‌گردد که صحت و دقت داده‌های جمع‌آوری شده در سرشماری ۱۳۹۵ از مطلوبیتی کامل برخوردار نیست.

۳) آیا تولید اقلام آماری حاصل از سرشماری عمومی نفوس و مسکن، به روشی به غیر از سرشماری نیز امکان‌پذیر است؟

پاسخ: آنچه مسلم است، اقلام آماری از پردازش داده‌های آماری حاصل می‌شوند و برای داشتن داده‌ها و اطلاعات کامل یک جامعه‌ی آماری، سه راه متصور است:

راه اول- مراجعه مامورین سرشماری به تک تک عناصر جامعه و ثبت اطلاعات آنها (کاری که در حال حاضر هنگام سرشماری‌های عمومی نفوس و مسکن اجرا می‌گردد)

راه دوم-مراجعه مردم به دولت و یا مرکز گردآوری داده و ارائه داده‌ها (کاری که در دو مرحله اول جمع‌آوری اطلاعات خانوارها برای پرداخت یارانه نقدی در کشور تجربه گردید.)

راه سوم- داشتن یک بانک اطلاعاتی جامع و پویا از جامعه(داده‌های مثبتی): در این روش یک بانک اطلاعاتی جامع و کامل از کلیه افراد کشور تهیه و روشی مناسب برای بهنگام سازی پیوسته و مداوم آن پیش بینی می‌گردد. ایجاد چنین بانک اطلاعاتی در کشور(در صورت امکان) امتیازات زیر را در بر دارد:

- داشتن داده‌های دقیق (ضمانت بالای صحت داده‌ها به دلیل مثبتی بودن)
- داشتن اقلام آماری مورد نیاز در هر زمان نه فقط در مقاطع خاصی از زمان (اقلام آماری حاصل از سرشماری به منزله داشتن عکس از جامعه و اقلام آماری حاصل از بانک اطلاعاتی مورد نظر مشابه داشتن فیلم از جامعه است.)

○ امکان رصد تحولات جمعیتی در زمان‌های مختلف

○ بی‌نیازی از اجرای سرشماری در فواصل زمانی پنج یا ده ساله و صرفه‌جویی در هزینه‌های کشور

۴) تشکیل و مدیریت بانک اطلاعاتی جامع مستلزم چه اقدامات و پیش‌نیازهایی است؟

پاسخ) الف: بستر قانونی: با توجه به صراحت قانون مرکز آمار ایران (که برای سال تصویب یعنی ۱۳۵۳، قانونی مترقی و راهگشا محسوب می‌شده است) در خصوص لزوم اجرای سرشماری در فواصل زمانی معین، لازم است قانون تغییر یافته و به جای تکلیف به اجرای سرشماری، مرکز آمار ایران را مکلف به تولید اقلام آماری مرتبط با جمعیت نماید.

ب: بستر سخت‌افزاری و نرم‌افزاری مناسب: خوشبختانه کشور در این زمینه تجربه لازم را داراست. سازمان ثبت احوال کشور به منظور انجام وظایف ذاتی خود به ویژه صدور اسناد هویتی مانند کارت هوشمند ملی و شناسنامه مشخصات شهروندان ایرانی را در یک پایگاه اطلاعاتی جامع و کارا ثبت و نگهداری می‌نماید. بنابراین به طور قطع و یقین **سازمان ثبت احوال کشور** بسترهای سخت‌افزاری و نرم‌افزاری تولید ثبتی اقلام آماری جمعیتی را فراهم کرده و در صورت استمداد از این سازمان مرکز آمار ایران از اجرای سرشماری‌های عمومی نفوس و مسکن بی‌نیاز خواهد شد.

ج: فراهم سازی بستر بهنگام‌سازی و اصلاح داده‌های تغییر یافته: همانطور که قبلاً نیز اشاره شد، اقلام آماری محصول پردازش داده‌های هستند و در گذر زمان با تغییر واقعیت‌های پیرامون افراد جامعه لاجرم برخی داده‌ها(ی مرتبط با فرد) تغییر می‌کنند. به عنوان مثال شخص ازدواج کرده و از وضعیت "بی همسر" به وضعیت "دارای همسر" تغییر حالت می‌دهد و یا ادامه تحصیل داده و مدرک تحصیلی بالاتری را دریافت می‌کند. این تغییرات باعث می‌گردد تا پاسخ دو سوال "وضعیت زناشویی" و "میزان تحصیلات" در مورد فرد مورد نظر تغییر یابد. حال برای اطلاع از این تغییر لازم خواهد بود فرد داده‌های تغییر یافته را در بانک اطلاعاتی تغییر دهد. به نظر می‌رسد این امر به دو صورت امکان پذیر باشد. اول این که تمامی شئون زندگی در ایران مکانیزه شده و مثلاً هنگام ثبت ازدواج، داده مورد نظر در بانک اطلاعاتی مرکز آمار تغییر یابد(حالت ایده‌آل) و یا افراد ایرانی به موجب قانونی (که دارای ضمانت

اجرائی نیز باشد) مکلف باشند هر گونه تغییر وضعیت خود را (مانند تغییر میزان تحصیلات، وضعیت زناشویی، وضعیت فرزندآوری، جابجایی محل سکونت، حدوث معلولیت و سایر مواردی مشابه را) در بانک اطلاعاتی مورد نظر تغییر دهند. البته برخی از داده‌ها مانند جنسیت، سال تولد از ابتدا تا انتهای عمر لایتنیر بوده و نیازی به تغییر ندارند.

لازم به ذکر است در تجربه مدیریت بانک اطلاعاتی پرداخت یارانه نقدی، برخی اطلاعات مانند تولد، فوت، ازدواج و طلاق نیز به صورت مکانیزه و بدون مراجعه اشخاص برای ارائه، این اطلاعات در بانک اطلاعاتی اعمال می‌گردید که این تجربه قابلیت تسری به سایر داده‌های مورد نظر را خواهد داشت.

د: بستر بودجه و امکانات: بدیهی است انجام هر کاری مستلزم صرف اعتبار و بودجه است. شاید یکی از دلایل استمرار سرشماری‌ها در ایران تامین بودجه لازم برای اجرای آنهاست. بنابراین به نظر می‌رسد تکلیف قانونی به اضافه تامین اعتبار لازم برای انجام این کار، بتواند راهگشای آغازی مطمئن و پایانی درخور تحسین برای تحقق بانک جامع اطلاعات جمعیتی کشور باشد.

۴-۴- نتیجه‌گیری و پیشنهاد

با توجه به اهمیت آمار و اطلاعات در خصوص تدوین برنامه‌های توسعه‌ای، لزوم تهیه و انتشار آمارهای صحیح و بهنگام بسیار واضح و بدیهی است. هر یک از دستگاه‌های دولتی با توجه به شرح وظایف و اقدامات روزمره داده‌های را ثبت می‌کنند که این داده‌ها در صورت پردازش اقلام آماری متنوعی ایجاد خواهد شد. اما از آنجاییکه برخی اقلام آماری نشانگر میزان موفقیت در عمل به وظایف است، بیم آن می‌رود که دستگاه‌های اجرایی دولتی و غیر دولتی با دستکاری در آمار و انتشار آمارهای غیر واقعی سعی کنند تا خود را موفق‌تر از میزان واقعی نشان دهند. به عنوان مثال ممکن است وزارت صنعت، معدن و تجارت تعداد کارگاه‌های تعطیل را کمتر از میزان واقعی و وزارت جهاد کشاورزی میزان

تولید محصولات کشاورزی را بیش از آنچه که هست اعلام نماید. از همین روی در تمامی کشورها مرکزی مستقل و غیر وابسته برای تهیه و انتشار آمارهای رسمی وجود دارد.

در حال حاضر مرکز آمار ایران به عنوان این موسسه‌ی مستقل در کشور ایران وظیفه‌ی تهیه و انتشار آمارهای رسمی را دارد ولی با کمال تاسف باید گفت که مرکز مذکور صرفاً بر دو روش سرشماری و نمونه‌گیری متمرکز است و تقریباً قادر به تولید هیچ یک از اقلام آماری به روش ثبتی نیست! مهمترین علت ناتوانی مرکز مذکور این است که مرکز مذکور هیچ مسئولیت و مشارکتی در ثبت داده‌های دستگاه‌های اجرایی ندارد و از همین روی به بسیاری از این داده‌ها دسترسی نداشته و از سوی دیگر در صورت دسترسی اعتماد لازم به آنها را ندارد. البته باید اذعان داشت که همه‌ی اقلام آماری نیز قابلیت تولید به روش ثبتی را نداشته و بشر هیچگاه از روشهای سرشماری و اجرای طرح‌های نمونه‌ای بی‌نیاز نخواهد نشد.

علی‌رغم وجود این مشکلات، آمارهای ثبتی به حدی ارزشمند هستند که کشور باید ساز و کار لازم جهت استفاده از این آمارها را فراهم نماید.

برای شروع حرکت به سمت آمارهای ثبتی مبنای آمارهای جمعیت و تحولات جمعیتی به دلایل زیر بهترین نقطه‌ی آغاز می‌باشد:

- تشکیلات ثبت احوال کشور، بسترهای سخت‌افزاری و نرم‌افزاری لازم برای ثبت داده‌های مرتبط را تحولات جمعیتی را داراست.
- کاهش یا افزایش جمعیت و روند تحولات آن نشان‌دهنده‌ی عملکرد تشکیلات ثبت احوال کشور نمی‌باشد و از این روی سازمان ثبت احوال کشور انگیزه‌ی لازم برای انتشار صحیح و دقیقی آمارهای ثبتی تولیدی را داراست.
- هزینه‌های اجرای متناوب سرشماری‌ها هزینه‌های سنگینی است و در صورت تخصیص اعتبار یکی از سرشماری‌ها به تشکیلات ثبت احوال کشور، این تشکیلات قادر خواهد بود تا نواقص موجود را

برطرف و بستر لازم برای ارائه اقلام آماری ثبتی جمعیتی را فراهم نماید. در صورت تحقق این امر و معافیت کشور از اجرای سرشماری‌های آتی صرفه‌جویی‌های ریالی و زمانی ارزشمندی نصیب کشور خواهد شد.

● تجربیات حاصل از تهیه و انتشار ثبتی آمارهای جمعیتی، می‌تواند راهگشا و مقدمه‌ی تهیه و انتشار سایر اقلام آماری که قابلیت تولید به روش ثبتی را دارند، باشد.

به جز اقلام آماری جمعیتی اقلام آماری دیگری نیز در تهیه و تدوین برنامه‌ها لازم است. برخی از اقلام مذکور توسط مرکز آمار ایران تهیه و منتشر شده و برخی دیگر نیز به توسط دستگاه‌های اجرایی و وزارت‌خانه‌ها بدون نظارت لازم توسط مرکز آمار ایران تهیه و انتشار می‌یابند. برخی از اقلام آماری لازم دیگر برای حصول توسعه‌ی پایدار وجود دارند که متأسفانه نه مرکز آمار ایران و نه هیچ دستگاه متولی دیگری به تولید آنها مبادرت نمی‌نماید. اقلام آماری مرتبط با محیط زیست و میزان صدمات وارده بر منابع طبیعی از جمله اقلام آماری است که در دسترس نبودن آنها کاملاً مشهود و واضح است و در صورت موجود بودن نیز مهر تایید دستگاه قانونی تولید و انتشار آمار را به همراه ندارند.

با توجه به جمیع مطالب پیش‌گفته به نظر می‌رسد در صورت واگذاری تهیه و انتشار اقلام آماری مرتبط به جمعیت به سازمان ثبت احوال ظرفیت زمانی و امکاناتی قابل توجه از مرکز آمار ایران را آزاد خواهد کرد. ظرفیت آزاد شده می‌تواند در خدمت تدقیق سایر اقلام آماری و تهیه و انتشار آمارهای ضروری غیر موجود به کار گرفته شود. به عنوان مثال با توجه به نیاز مبرم توسعه‌ی پایدار به آمارهای زیست محیطی و منابع طبیعی اختصاص ظرفیت آزاد شده به تهیه و انتشار آمارهای زیست محیطی و منابع طبیعی برترین خدمت به مقوله‌ی توسعه پایدار خواهد بود. حتی با توجه به اهمیت موضوع محیط زیست و منابع طبیعی، تشکیل دفتر موضوعی "دفتر آمارهای زیست محیطی و منابع طبیعی" در کنار سایر دفاتر موضوعی مرکز آمار ایران باعث خواهد شد تا اقلام آماری مرتبط با محیط زیست متولی قانونی یافته و خلاء آماری موجود در این زمینه به تدریج برطرف گردد.